

شاهنامه فردوسی

جلد ششم

من انتقادی

تحت نظر س. ا. برتلس

چاپ ۱۶۶ مسکوم



سرشناسه	۱	بروسه، ابوال	۲۱-۴۱۶ آ.
عنوان قراردادی	۲	شاهنامه	
عنوان و نام پدیدآور	۳	شاهنامه	
ابوالقاسم فردوسی،	۴	رسمی: امن تنقادی تحت نظر	ی. برنلس چاپ ۱۹۶۶ مسکو
مشخصات نشر	۵	تهران: فرهنگان،	۱۷.
مشخصات ظاهری	۶	۱۰ ج، ۱۷×۱۱ سن. م.	
شابک	۷	۱-۲۱-۵۵۵۸-۹۶۴-۱۷۸	۲۲-۲۱-۵۵۵۸-۹۶۴-۱۷۸ ج. ۴
وضعیت فهرست نویسی	۸	۵-۲۲-۵۵۵۸-۹۶۴-۱۷۸ ج. ۴، ۶-۲۲-۵۵۵۸-۹۶۴-۱۷۸ ج. ۴، ۷-۲۲-۵۵۵۸-۹۶۴-۱۷۸ ج. ۴، ۸-۲۲-۵۵۵۸-۹۶۴-۱۷۸ ج. ۴، ۹-۲۲-۵۵۵۸-۹۶۴-۱۷۸ ج. ۴، ۱۰-۲۲-۵۵۵۸-۹۶۴-۱۷۸ ج. ۴	
یادداشت	۹	فیبا	
موضوع	۱۰	ج ۶- ۱۰ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیبا)	
شناسه افزوده	۱۱	شعر فارسی -- قرن ۴.	
رده بندی کنگره	۱۲	برنلس: آندری یوگنیوچ، ۱۹۲۶ - م. تصحیح	
رده بندی دیویی	۱۳	PIR۲۲۹۰۱۳۹۲ل	
شماره کتابشناسی ملی	۱۴	۸۱۸/۲۱	
		۴۰۲۵۲۳۱	

۱۳۷۳/۰۷/۱۳
شماره ۵ قسمت دوم (نخاست)
اعلا ۹۰۰۰



فصل

شاهنامه

(نخاست)

حکیم ابوالقاسم فردوسی

(متن انتقادی)

Sháhnáma

Abolqāsem Ferdowsi

چاپ اول: ۱۳۹۴

طراحی جلد: مهدی نعمتی

ناظر چاپ: بهزاد کهندانی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۵۵۸-۴۶-۶

۱۳		خفتار از مصحح
۱۷		دشاهی صد و بیست سال بود
۱۷		 شاه اسپ به بلخ
۱۸		رفت از لهراسپ به خشم
۲۰		باز آمد گشتاسپ با زریر
۲۳		رفتن گشتاسپ به روم
۲۴		رسیدن گشتاسپ روم
۲۷		بردن دهقانی گشتاسپ را در ریش
۲۸		داستان کتابون دختر قیصر
۳۰		دادن قیصر کتابون گشتاسپ را
۳۱		خواستن میرین دختر دیگر را از قیصر
۳۵		کشتن گشتاسپ گرگ را
۳۹		به زن خواستن دختر سیوم شاه
۴۳		کشتن گشتاسپ ازدها را و دادن قیصر دختر خود به ایران
۴۶		هنر نمودن گشتاسپ در میدان
۴۸		نامه قیصر به الیاس و باز خواستن ازو
۵۱		رزم گشتاسپ با الیاس و کشته شدن الیاس
۵۲		باز ایران خواستن قیصر از لهراسپ
۵۶		بردن زریر پیغام لهراسپ به قیصر
۵۷		باز رفتن گشتاسپ با زریر به ایران زمین و دادن لهراسپ تخت ایران او
۶۰		پادشاهی گشتاسپ صد و بیست سال بود
۶۱		به خواب دیدن فردوسی دقیقی را
۶۲		به بلخ رفتن لهراسپ و بر تخت نشستن گشتاسپ

- ۶۳ پیدا شدن زردشت و پذیرفتن گشتاسپ دین او
- ۶۶ نپذیرفتن گشتاسپ باز ایران ارجاسپ را
- ۶۷ نامه نوشتن ارجاسپ گشتاسپ را
- ۷۰ پیمیران فرستادن ارجاسپ گشتاسپ را
- ۷۱ پاسخ دادن زوریر ارجاسپ را
- ۷۲ بازگشتن فرستادگان ارجاسپ با پاسخ گشتاسپ
- ۷۵ گرد آوردن گشتاسپ لشکر خود
- ۷۷ گفتن جاماسپ انجام رزم با گشتاسپ
- ۸۲ رزم آراستن گشتاسپ و ارجاسپ
- ۸۴ آراستن رزم ایرانیان و تورانیان
- ۸۶ شش گرامی پورجاماسپ
- ۸۸ کشته شدن زوریر برادر گشتاسپ
- ۹۰ سخته شدن زوریر از کشته شدن پسرش
- ۹۲ آگاه شدن اسفندیار از کشته شدن زوریر
- ۹۳ رفتن اسفندیار به جنگ ارجاسپ
- ۹۶ کشتن نستور و اسفندیار سدره را
- ۹۷ گریختن ارجاسپ از کارزار
- ۹۸ پخشایش یافتن ترکان اسفندیار
- ۱۰۱ باز آمدن گشتاسپ به بلخ
- ۱۰۲ فرستادن گشتاسپ اسفندیار را به کشور و دین و گرفتن ایشان از او
- ۱۰۳ بدگوی کردن گروزم از اسفندیار
- ۱۰۵ آمدن جاماسپ نزد اسفندیار
- ۱۰۷ بند کردن گشتاسپ اسفندیار را
- ۱۱۰ رفتن گشتاسپ به سیستان و لشکر آراستن ارجاسپ
- ۱۱۳ سخن فردوسی
- ۱۱۳ نگوهر کردن فردوسی مرد قیفی را
- ۱۱۵ آمدن لشکر ارجاسپ به بلخ و کشتن لهراسپ
- ۱۱۷ آگاه شدن گشتاسپ از کشته شدن لهراسپ و لشکر کشیدن سوی بلخ
- ۱۲۰ هزیمت شدن گشتاسپ از ارجاسپ
- ۱۲۲ رفتن جاماسپ به دیدن اسفندیار
- ۱۲۳ دیدن اسفندیار برادر خود فرشیدورد
- ۱۲۹ وسیدن اسفندیار بر کوه به نزد گشتاسپ

۱۳۵	فرستادن گشتاسب اسفندیار را بار دیگر به جنگ ارجاسپ
۱۳۷	داستان هفتخوان
۱۳۷	ستایش پادشاه محمود
۱۳۸	خوان اول کشتن اسفندیار دو گرگ را
۱۴۲	خوان دوم کشتن اسفندیار شیوان را
۱۴۳	خوان سوم کشتن اسفندیار اژدها را
۱۴۶	خوان چهارم کشتن اسفندیار زن جادو را
۱۴۸	خوان پنجم کشتن اسفندیار سیمرغ را
۱۵۱	خوان ششم کشتن اسفندیار از برف
۱۵۶	خوان هفتم کشتن اسفندیار از رود و کشتن گرگمار را
۱۵۹	رفتن اسفندیار به رویین دژ به جامه بازارگان
۱۶۳	کشتن اسفندیار را
۱۶۶	حمله کردن پشوتان به اسفندیار
۱۶۸	کشتن اسفندیار ارجاسپ
۱۷۰	کشتن اسفندیار کهک
۱۷۴	نامه نوشتن اسفندیار به گشتاسب و پاسخ او
۱۷۶	بازگشت اسفندیار نزد گشتاسب
۱۷۹	داستان رزم اسفندیار با رستم
۱۷۹	آغاز داستان
۱۸۳	خواستن اسفندیار پادشاهی از پدر
۱۸۵	پاسخ دادن گشتاسب پسر را
۱۸۷	بند دادن کتابون اسفندیار را
۱۸۹	لشکر آوردن اسفندیار به زابل
۱۹۱	فرستادن اسفندیار بهمن را به نزد رستم
۱۹۴	رسیدن بهمن به نزد زال
۱۹۵	پیغام دادن بهمن رستم را
۱۹۷	پاسخ دادن رستم بهمن را
۲۰۱	بازگشتن بهمن
۲۰۱	رسیدن رستم و اسفندیار با یکدیگر
۲۰۲	نخواندن اسفندیار رستم را به مهمانی
۲۰۸	پوزش کردن اسفندیار از ناخواندن رستم به مهمانی
۲۱۰	نگوهش کردن اسفندیار نژاد رستم

۲۱۳	ستایش کردن اسفندیار نژاد خویش را
۲۱۵	ستایش کردن رستم بهلوانی خود را
۲۱۸	می خوردن رستم با اسفندیار
۲۲۳	بازگشتن رستم به ایوان خود
۲۲۵	بند دادن زال رستم را
۲۲۸	جنگ رستم با اسفندیار
۲۳۱	کشته شدن پسران اسفندیار از دست زواره و فرامرز
۲۳۴	گریختن رستم به بالای کوه
۲۳۸	رای آدن رستم با خوبشان
۲۴۰	جنگ ساختن سیمرغ رستم را
۲۴۴	بازگشتن رستم به جنگ اسفندیار
۲۴۶	تیراندازی رستم اسفندیار را به چشم
۲۵۰	دور کردن اسفندیار رستم را
۲۵۴	وردن خون ناله اسفندیار نژد گشتاسپ
۲۵۸	بار رستادن رستم بهمن را به ایران
۲۶۱	داستان رستم و ماد
۲۶۱	آغاز داستان
۲۶۳	رفتن رستم به کابل از پدرش شغاد
۲۶۷	چاه کندن شاه کابل در شکارگاه و نهادن رستم و زواره در آن
۲۶۹	کشتن رستم شغاد را و مردن
۲۷۱	آگاهی یافتن زال از کشته شدن رستم و آوردن فرزند تابوت پدر (..)
۲۷۵	لشکر کشیدن فرامرز به کین رستم و کشتن او و کابل را
۲۷۶	بیهوش گشتن رودابه از سوگ رستم
۲۷۷	سپردن گشتاسپ شاهی به بهمن و مردن
۲۷۹	پادشاهی بهمن اسفندیار نود و نه سال بود
۲۷۹	کین خواستن بهمن از بهر خون اسفندیار
۲۸۱	در بند انداختن بهمن زال را
۲۸۳	رزم فرامرز با بهمن و کشته شدن او
۲	رها کردن بهمن زال را و بازگشتن به ایران
۲۸۱	به زنی گرفتن بهمن همای دختر خویش را و ولی عهد کردنش
۲۸۹	پادشاهی همای سی و دو سال بود
۲۸۹	گذاشتن همای پسر خود را داراب به دریای فرات در صندوقی

۲۹۱	پروردن گاوز داراب را.....
۲۹۲	پرسیدن داراب نژاد خود از زن گاوز و جنگ آوردن به رومیان.....
۲۹۶	آگاه شدن رشنوای از کار داراب.....
۲۹۸	رزم داراب با لشکر روم.....
۳۰۱	شناختن همای پسر را.....
۳۰۲	بر تخت نشاندن همای داراب را.....
۳۰۵	پادشاهی داراب دوازده سال بود.....
۳۰۵	ساختن داراب شهر داراب گرد.....
۳۰۶	سیر داراب لشکر شعب.....
۳۰۷	رزم کرد داراب با فیلقوس و به زنی گرفتن دخترش را.....
۳۱۰	باز رفتن داراب و ناهید را و زادن سکندر از او.....
۳۱۳	پادشاهی داراب به داراب هارده سال بود.....
۳۱۴	مردن داراب و بر تخت نشستن اسکندر.....
۳۱۶	آمدن سکندر به سوی داراب و نژاد دارا.....
۳۲۰	رزم دارا با اسکندر و کشته شدن او.....
۳۲۱	رزم دوم دارا با اسکندر.....
۳۲۳	رزم سوم اسکندر با دارا و گرفتن پسر بهرام.....
۳۲۵	نامه دارا به اسکندر در کار افسار بستن.....
۳۲۶	کشته شدن دارا به دستوران خود.....
۳۲۸	اندرز کردن دارا با اسکندر و مردن.....
۳۳۲	نامه نوشتن اسکندر نزد بزرگان ایران.....

پیشگفتار از طرف مصحح

در جلدهای ششم و هفتم «ماهنامه» در شیوه ضبط نسخه‌ها پاره‌ای تغییرات داده شده است. مصحح در داکتور کوشش کرده‌اند که متن جلد ششم و هفتم به طرز نگارش نسخه موزه بریتانیا نزدیک‌تر باشد، مگر در جاهایی که نادرستی نسخه «آ» است. اما در طرز نگارش «ب» بعضی اختلاف‌های جزئی وجود دارد که به علت وضوح و گریز از تکرار نه در متن و نه در حاشیه این و جلد قبل نمی‌شوند. این اختلاف‌ها به قرار زیر است.

۱. در جایی که دو کلمه «که» و «ای» باید به قیاس ورنه جدا تعطف شوند در نسخه «ب» به شکل «کای» نوشته شده است.
۲. واژه‌های «که» و «چه» گاهی با کلمه بعدی متصل نوشته شده است، مثلاً چگوید، کجگوید و مانند آن.

۳. در نسخهٔ π دیده گان، بنده گی بجای دیدگان، بندگی و مانند این ها.
 ۴. در نسخهٔ π در واژه های مختوم به «ا» و «و» حرف «ی» آورده نمی شود، مثلاً رهنما، جا، بگو به جای رهنمای، جای، بگوی.
 ۵. در نسخهٔ π در واژه های «خانه»، «پایه»، «مایه» و مانند آن در حالت اضافه پس از «های» غیر ملفوظ «ی» نوشته می شود.

۶. در کلمات مختوم با «واو» مجهول مانند «جادو»، «آرزو» در جایی که به «ا» وزن را «هجا» بلند باشد در نسخهٔ π «جادو»، «آرزو» و مانند آن نوشته شده است.
 خصوصیت می دیگر که در حاشیه ضبط نشده اند عبارتند از:

۱. نسخهٔ π غالباً «و از» را بعد از کلمهٔ مختوم به «نون» حیشومی (مثلاً «خفتان»، «گردان») بر خلاف سایر نسخه ها به شکل «وز» می دهد. این طرز نگارش نسخهٔ π در متنی که نگاشته شده و ضبط نسخه های دیگر در حاشیه ذکر نمی شود.

۲. «از» و «ز» در متن چنانچه تأثیری در وزن نداشته باشد همه جا از نسخهٔ π تبعیت می شود.

۳. بعضی نسخه ها (بیشتر IV) واژه های «شارستان»، «بیکارستان»، «بیمارستان» را به شکل «شارسان»، «بیکارسان»، «بیمارسان» می زنند. این شکل اخیر در حاشیه ذکر نمی شود.

۴. در واژه های زیر همچنین طرز نگارش نسخهٔ π نگه داشته شده است

و واریانت نسخه‌های دیگر ذکر نمی‌شود: آوای - آواز، کاول - کابل،
 زاول - زابل، اسپهد - اسفهد، آن - این، رکاب - رکیب، بدین - بدان - بران
 - برین، کای - ای، ار - ور - گر، از - وز - کز، نوشتن - نبشتن، ازان - از،
 چنین - چنان، سلاح - سلیح.

پیرست تفاوت‌هایی که در حاشیه ضبط نشده است.

ملاحظات	نسخه بدل ضبط‌نشده	نسخه	متن
در نسخه VI همه جا با «و» نوشته شده است	خواست	VI	خواست
	خورد	VI	خُرد
	بیزه	π . VI	بیزه‌گزار
نه در همه جا	درفشان	k. VI	درخشان
	نقط	k. I	نفت
گربه قوس وزن ممکن است	انوشه	k. I. IV	نوشه
۱ - بعضی جاها	فشردن	K. I. IV.	فشاردن
«فشاردن» نیز آمده است		VI	

پیغمبر	K. IV	پیغامبر	IV - نه در همه جا
خفت و خیز	π	خفت خیز	
ساروج	π	ساروج	
پرداختن	K. I, IV, VI	پرداختن	
لاورد	K. I, VI	لاجورد	